

عدالت آموزشی، این قسمت عشایر

۴۰۰ کانکس و ۷۰۰۰ چادر کم داریم



ابوالقاسم رحمانی

دبیر گروه جامعه

به نظر من به جای اینکه رسانه را به‌عنوان رکن چهارم دموکراسی معرفی و نامگذاری کنند، باید نامش را رکن اعصاب خردکن دموکراسی می‌گذاشتند. خدا آقامهرداد میناوند را رحمت کند، نور به قبر این اسطوره وستاره ورزشی ما ببارد و جایش بهشت باشد و خدا به خانواده‌اش هم صبر بدهد. منتها این رسانه اعصاب خردکن، طوری با این ضایعه مواجه شد که خیلی‌ها زیر اخبارش دفن شدند و خیلی از صداها شنیده نشد. مثلاً همین یکی، دوزوره دیگر خبری از آن پنج کولبری که جان‌شان را از دست دادند و زیر برف و یهمین دفن شدند نیست، خبری از آن معلمان و دانش‌آموزان ذوق‌ولی که دو نفرشان جان‌شان را بر اثر سوختگی از

گفتند که نگویم

ولی واقعیت این است که مدارس کانکسی ما مجهز نیستند

در ارتباط با وضعیت عدالت آموزشی خصوصاً در آن طبقه‌ای از دانش‌آموزان که سال‌هاست سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات به‌نفع‌شان نیست، ابتدا با محمدرضا سیفی مدیرکل دفتر توسعه عدالت آموزشی و آموزش عشایر وزارت آموزش‌وپرورش گفت‌وگویی داشتیم. او با اشاره به سخنان حاجی‌میرزایی به «فرهیختگان» گفت: «ما نمی‌توانیم بیان کنیم مدرسه کانکسی خوب نیست و همه باید برچیده شود. مدرسه کانکسی چسب‌دار و مجهز به پنل خورشیدی و صاعقه‌گیر و نکات ایمنی و اتاقک مخصوص استراحت معلم و داشتن سرویس بهداشتی از برخی فضاهای ساختمانی که ما در نقاطی از کشور ساختیم که دانش‌آموز در آنجا وجود ندارد بهتر است، مخصوصاً برای عشایر ما چون می‌توانند بیلاقی و قشلاقی کنند و جای‌جا شوند و در مسیری بروند ولی باید نکات ایمنی آن کاملاً رعایت شود. با اینکه گفته شود کلاً مدرسه کانکسی جمع شود، موافق نیستم. مدرسه کانکسی مجهز به خصوصاتی که بیان کردم بهتر است. اما خب مدارس کانکسی ما این خصوصیات را ندارند. اگر این خصوصیات را داشته باشند صاعقه نمی‌گیرد و آتش‌سوزی نمی‌شود. مسئولان آموزش‌وپرورش تأکید داشتند این صحبت را بیان نکنم ولی واقعیت را بیان می‌کنم که خبرین مدرسه‌ساز کانکس اهدا کنند، هرچند این کانکس‌ها قیمت بالایی دارد، پلن خورشیدی ۶۰۰ میلیون قیمت دارد که هم آب داغ کند، هم برق تولید کند، هم می‌توان به اینترنت دسترسی داشت. این کانکس‌ها مجهز می‌شوند و امر ساده‌ای نیست. این قابل حمل‌ونقل برای دانش‌آموزان عشایری است که از یک نقطه به نقطه دیگری کوچ می‌کنند، این کانکس می‌تواند همراه آنها باشد.»

مدرسه کانکسی ما حاصل جایگزینی راهکارهای اضطراری و موقتی به‌جای راهکارهای دائمی است

بعد از این با حجت‌الله بنیادی، کارشناس و پژوهشگر حوزه آموزش گفت‌وگویی انجام دادیم. اوهم درواکنش به اتفاقاتی که در مدرسه کانکسی درزفول افتادو همچنین اظهارات وزیر آموزش‌وپرورش به «فرهیختگان» گفت: «این ۳۹۰۰ کانکسی را که حاجی‌میرزایی گفت ضرب در حداقل ۱۰ کنبد که ۳۹ هزار دانش‌آموز و معلم می‌شود و این تعداد عدد کمی نیست. شاید در مقیاس یک وزارتخانه با ۱۴ میلیون دانش‌آموز عدد بزرگی نباشد اما در مقایسه با یحیی که درباره کرونا داریم که اگر از ۱۰۰ به ۷۰ نفر می‌رسیم به‌عنوان موفقیت بزرگ ملی تلقی می‌کنیم، زندگی ۳۹ هزار دانش‌آموز و معلم امر کوچکی نیست که فضای غیراستاندارد و موقتی را به‌عنوان فضای دائم نگاه کنیم. بحث کانکس و معلم خریدخدمات و سرباز‌معلم از این نشأت گرفته‌اند که ما راهکارهای اضطراری و موقت و ارزان‌قیمت را به‌عنوان راهکارهای دائمی اتخاذ کرده‌ایم. کانکس سازه‌ای است که برای حالت اضطرار در نظر می‌گیریم. در کانکس سرویس بهداشتی تعبیه نشده است. بحث آب آشامیدنی این کانکس‌ها مساله دارد. بحث کپسول

مدرسه کانکسی نبود آزمایش سرزمینی و تخصیص ناعادلانه بودجه استانی را نشان می‌دهد

این کارشناس آموزشی افزود: «نکته دیگری که به‌نظرم در اخبار متضاد منتشر شد، این بود که گفتند برای این معلم سه وعده غذای گرم ارسال می‌شده است. از کجا غذای گرم ارسال می‌شد؟ اگر آموزش‌وپرورش آنقدر به معلم خود توجه دارد و آنقدر توانمند است که می‌تواند در منطقه صعب‌العبور سه وعده غذای گرم برای معلم ارسال کند، چرا آن معلم باید در کانکس زندگی کند؟ همه اینها مساله است، آموزش‌وپرورش خطاهای خود و ناتوانی خود را در پیگیری حق و حقوق دانش‌آموزان به شکلی می‌خواهد توجیه کند. اگر آموزش‌وپرورش این میزان توانمند است مساله را حل می‌کرد. این سه وعده از کجا تامین می‌شد؟ آیا فقط برای آن کانکس است یا به همه معلمان که در مدارس چندپایه و صعب‌العبور هستند سه وعده غذای گرم داده می‌شد؟ سازوکار و بودجه‌اش از کجا تامین می‌شد؟ همه اینها مساله است. متأسفانه در بودجه‌ای که تخصیص داده می‌شود، آمایش سرزمینی شفافاتی نداریم، یعنی بودجه استان‌ها هم برهم‌نای مولفه‌های عادلانه توزیع نمی‌شود. یعنی شهرستانی داریم که سرانه فضای آموزشی درآن حدود ۲۰ مترمربع است و درعین حال شهرستانی را داریم که کمتر از یک مترمربع است. یعنی ما پولی

که برای ساخت‌وساز مدارس بوده را عادلانه توزیع نکردیم که میانگین پنج مترمربع را برای همه کشور لحاظ کنیم و در جایی اگر منطقه کوهستانی باید مدارس تراکم کمتری داشته باشند، هشت مترمربع شود و در جایی مثل مناطق شمالی کشور که تراکم جمعیت بالاست سه مترمربع شود ولی یک‌جایی یک مترمربع و در جای دیگر ۲۰ مترمربع داریم. هرچه بودجه تخصیص دهند تا مدیریت درستی در این امر حکمفرما نباشد، بازهم مدرسه کانکسی حل نمی‌شود، باز هم بخاری‌های غیراستاندارد حل نخواهد شد، بازهم مدارس نایم‌همچنان وجود خواهند داشت، بنابراین در بودجه عدد دیده شده است. به خیرین هم توجه کنید این میزان خیر داریم، یعنی کمکی که خیرین در سیل لرستان و گلستان برای ساخت‌وساز مدارس داشتند از میزان کمکی که دولت داشت بیشتر بود. تقریباً می‌توان گفت ۶۰درصد را خیرین کمک کردند و ۴۰درصد را دولت داده است. این ظرفیت‌های عظیم را داریم و اینکه همچنان مساله و مشکل داریم، نشانه ضعف و مدیریت ناصحیح آموزش‌وپرورش در توزیع اعتبارات و ساخت‌وساز مدارس است. در مکان‌یابی مدارس اشتباه قدم برداشته است.»

بنیادی ادامه داد: «اینکه وزیر گفته این کانکس مدرسه نبوده بلکه محل استراحت معلم بوده، مساله را بدتر می‌کند. هرجایی که به‌نوعی با معلم مدرسه ارتباط داشته باشد جزئی از فضای مدرسه است. قطعاً کانکس‌هایی که شب‌محل استراحت معلم است، روز محل تشکیل کلاس است، یعنی ما وقتی تنگنا داریم و نگاه ارزان‌قیمت حکمفرماست، آموزش‌وپرورش یک کانکس را برای کلاس و همان کانکس را برای استراحت شب معلم اختصاص دهد. معمولاً این کار را می‌کنند تا همان کانکسی که روزها در آن کلاس برگزار می‌شود، شب‌محل معلم در آن استراحت می‌کند. جای تأسف بود در اطراف آن کانکس و عکس‌هایی که از کانکس منتشر شده نه سرویس بهداشتی دیدیم، ونه آب آشامیدنی دیدیم و نه استانداردهای حداقلی پیرامونی را دیده‌ایم. چند سال این کانکس آنجا بوده است؟ آیا از بابت مکان‌یابی، اگر سیلی رخ می‌داد، این کانکس در مسیر رودخانه قرار نداشت و سیل آن را همراه خود نمی‌برد؟ آیا اگر اتفاق دیگری همچون رانش زمین یا ریزش بهمین رخ می‌داد به کانکس آسیب نمی‌رسید؟ وقتی ما یک کانکس را به‌عنوان سازه سبک وقابل حمل در محلی مستقر می‌کنیم باید توجه کنیم در مسیر سیل نباشد، در مسیر رانش زمین

زندگی معلم در کانکسی که مدرسه است یعنی بی توجهی به شأن معلم

نباشد، در مسیر ریزش کوه نباشد. آیا به بحث ایمن‌سازی در مقابل آتش‌سوزی، در مقابل وزش باد و... توجه شده است؟ خیلی از مدارس کانکسی ما بر اثر وزش باد واژگون شده بودند. این ناشی از گاه غلط است، کسی که در مقیاس ملی نگاه می‌کند مثلاً کشور ۸۳ میلیون جمعیت دارد و می‌گویند این جمعیت ۳۹۰ هزار نفری با ۳۹ هزار نفری اهمیت ندارد و در مقابل ۸۳ میلیون جمعیت کمی است، این تفکر کاملاً غلطی است. ۳۹۰۰ کانکس به معنای حداقل ۳۹ هزار دانش‌آموز و معلم را دربرمی‌گیرد. به‌نظم ایمنی اینها آن کاهش کیفیتی که استفاده از کانکس در تدریس و آموزش این دانش‌آموزان دارد و کسر شأن و منزلتی که شاید یکی از راهکارهای ارتقای منزلت و جایگاه معلم‌ها همین باشد، وقتی یک معلم را بدون اینکه سرویس بهداشتی برای او فراهم کنید، بدون اینکه حداقل‌های لازم را برای او فراهم کنید در یک کانکس مستقر می‌کنید، مشخص است منزلت معلم در میان جامعه محلی خدشه‌دار می‌شود یعنی همه اینها دست به‌دست هم می‌دهد تا آموزش‌وپرورش به جای اینکه الگو و پیش‌قراول پیشرفت کشور شود، مجموعه‌ای می‌شود که دیگران باید بدان ترحم کنند.»

به‌جای تبدیل مدارس دولتی به غیرانتفاعی آن‌را هزینه مناطق محروم کنبد

بنیادی در پایان خاطرنشان کرد: «مثلاً در قانون مدرسه دولتی بیان کردیم اگر مدرسه دولتی مازاد شد، به این شرط که در مکان خوبی باشد و استانداردهایی را داشته باشد می‌توانند آن را واگذار کنند یا به موسس مدارس غیردولتی اجازه دهند. سوال این است که اگر مدرسه‌ای مازاد در شهری می‌شود که این ظرفیت را دارد که مدرسه غیردولتی در آنجا کار کند اولاً چرا باید در جایی مدرسه‌ای ساخته شود که مازاد شود؟ این یک نگاه غلط است، ثانیا اگر مدرسه‌ای مازاد شد چرا با فاصله نباید فروخته شود و مدارس نایم‌روستایی و مناطق محروم بازسازی شوند؟ یعنی نگاهی که وجود دارد این است که حتی در جایی که ما پویل و اعتبارات بیت‌المال را مدرسه کردیم، می‌گوییم چون این مدرسه در شهر است ما آن را نگه داریم و به موسس مدرسه غیردولتی بدهیم. اصلاً توجه نداریم که این بیت‌المال است. همانطور که دانش‌آموز منطقه شهری حق دارد مدرسه خوب داشته باشد، دانش‌آموز مدرسه روستایی هم حق دارد مدرسه خوب داشته باشد و همه اینها؛ ریزش دیوار در کردستان که خود به خود فرو ریخت، ریزش دیوار در مدرسه‌ای در سیستان وبلوچستان که بر اثر وزش باد بود و یک معلم فوت شد، آتش‌سوزی مدرسه زاهدان و... نشان می‌دهد آموزش‌وپرورش یک نگاه دائم و یکپارچه برای مدرسه استاندارد ندارد. به‌صورت موقتی و روزمره و سهل‌انگارانه روزگار را سپری می‌کند و نتیجه این نگاه این می‌شود که ۳۹۰۰ کانکس چیزی نیست.»

مهم‌ترین کار نظام سرمایه‌داری، طبیعی جلوه‌دادن تبعیض است

حسینی ادامه داد: «مهم‌ترین کاری که سرمایه‌داری با ما می‌کند طبیعی کردن تبعیض است، یعنی سرمایه‌داری دولت سرمایه‌داری و نولیبرال اصولاً عنیتت ما را از بین می‌برد، یعنی عنیتت ما را نابرابر می‌کند اما با فشار تبلیغاتی و ذهنی می‌خواهد ذهنیت ما را نیز همراه خود کند. بالاخره ذهن ما باید علیه شما باشد. آنها می‌خواهند ذهن ما هم علیه آنها نباشد. می‌گویند اگر تبعیض کردیم و گفتیم خودتان بمالید و در آموزش خود پول مدرسه غیرانتفاعی را پرداخت کنید و برای مسکن خود پشت‌بام اجاره کنید و زندگی کنید، طبیعی است. مساله اصلی صنعت فرهنگ است. دستگاه تبلیغاتی و فرهنگی که تا انتها در خدمت این طبیعی کردن این وضعیت نابرابر است. مساله این است که دستگاه تبلیغاتی و فرهنگی از BBC سایت‌های طرفدار دولت تا بخشی از صداوسیما در خدمت این هستند که نشان دهند این وضع طبیعی است. هرکسی بگوید طبیعی نیست، عقل ندارد و کارشناس

نیست. کارشناسانی که طرح تحول سلامت را کارشناسی می‌کردند چطور به یاد نداشتند که مردم ۹۰ هزار میلیارد تومان پرداخت می‌کنند؟ این کارشناسان الان کجا هستند؟ چرا الان کارشناسی نمی‌کنند؟ موقعی که می‌خواهند طرح‌های تبعیض‌آمیز خود را در حوزه مردم اجرا کنند، صدای کارشناسی بلند است اما وقتی نتایج نابرابر تبعیض‌آمیز آنها را آموزش فقط در هزار نفر اول کنکور ۳۰۰ نفر منطقه یک تهران می‌شوند، حضور ندارند که توضیح دهند چرا این میزان نابرابری وجود دارد. واقعیت این است که دولت سرمایه در خدمت طبیعی کردن نابرابری است. وقتی وزیر آموزش‌وپرورش می‌گوید ۳۹۰۰ کانکس چیزی نیست یعنی میلیون‌ها دانش‌آموز را از تحصیل محروم می‌کند و این را طبیعی نشان می‌دهد. این اوج لیبرالیسم و سرمایه‌داری در یک دولت است. فکر می‌کنم در دولت‌های پس از انقلاب دولتی که این میزان در خدمت سازمان سرمایه باشد تاکنون وجود نداشته است.»